

دیوان اشعار

میرزا اسماعیل

خائف شیرازی

تصحیح و تحقیق:

دکتر محمد هادی خائف زاده

دکتر مهرداد خائف

انتشارات بین المللی نوید شیراز

به نام خداوند جان و خرد

سرشناسه	:	خائف، اسماعیل، ۱۲۷۸ -
عنوان قراردادی	:	دیوان
عنوان و نام پدیدآور	:	دیوان اشعار میرزا اسماعیل خائف شیرازی/ تصحیح و تحقیق محمدهادی خالقیزاده، مهرداد خائف.
مشخصات نشر	:	شیراز: نوید شیراز، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	:	۳۶۴ ص: جدول، نمودار.
شابک	:	978-622-270-082-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۳۶۳ - ۳۶۴.
یادداشت	:	نمایه.
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۴ Persian poetry -- 20th century
شناسه افزوده	:	خالقیزاده، محمدهادی، ۱۳۵۱ -، مصحح
شناسه افزوده	:	خائف، مهرداد، ۱۳۴۹ -، مصحح
رده بندی کنگره	:	PIR۷۶۷۳/۲
رده بندی دیویی	:	۸۸/۶۹
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۷۴۰۰۵۲



دیوان اشعار خائف شیرازی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات:

دکتر محمد هادی خالقیزاده (استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج)

و دکتر مهرداد خائف

صفحه آرا: ندا گزینی ● طرح جلد: فرانک بوب

لیتوگرافی و چاپ: واصف ● تیراژ: ۵۰۰ جلد ● چاپ اول: ۱۴۰۱ ● حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات بین المللی نوید شیراز

دفتر شیراز- تلفن ۶۲-۳۲۲۲۶۶۶۱-۳۲۲۲۹۶۷۶ نمابر

دفتر تهران- تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰۵۹۴۵ نمابر ۲۱-۸۸۹۲۱۵۲۲

پست الکترونیکی: navideshiraz.pub@gmail.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

ISBN: 978-622-270-082-9

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۰-۰۸۲-۹

۱۹۰/۰۰۰ تومان

فهرست اشعار

صفحه	عنوان
۷	مقدمه مصححان.....
۲۵	مقدمه والی وقت ایالت فارس.....
۲۹	مقدمه میرزا اسماعیل خانف.....
۳۹	غزل‌ها.....
۲۷۹	قصیده‌ها.....
۲۹۱	رباعی‌ها.....
۳۱۵	مثنوی‌ها.....
۳۲۱	قطعه‌ها و اشعار پراکنده.....
۳۲۷	مستزاد.....
۳۳۱	مسمط.....
۳۳۵	تعلیقات.....
۳۴۸	فهرست‌ها.....

گلی چون روی تو اندر جهان نیست

چو «خائف» بلبلِ خوش‌گو به شیراز

مقدمه

شیراز، شیرازه ادبیاتِ پروانه فارسی است که در بستر بی‌مثالش، شعرای بزرگ و ادبای سترگی پرورش یافته است. در دوره قاجار، شاعران بزرگی مانند شوریده شیرازی از این خاکِ پاک رُسته‌اند و بالیده‌اند که هم‌زمان با وی سخن‌سرایانی چونان محمد حسین شعاع شیرازی، ناصرالدین سالار جنگ، عبدالرحیم حشمت، محمد جوان کمپانی و میرزا اسماعیل خائف شیرازی در کوچه پس کوچه‌های پرعطرِ بهارِ نارنج شیراز نفس کشیده‌اند و هنرنمایی کرده‌اند. خائف شیرازی یکی از این شاعران و دانشمندان عهد قاجار است که با وجود جایگاه درخور و شایسته، آن‌چنان‌که باید شناخته و معرفی نشده است.

در مورد میرزا اسماعیل خائف شیرازی باید گفت که دیوان اشعار وی، در زمان حیاتش با اراده میرزا مهدی‌خان اسفندیاری (نصیرالسلطنه) فرمان‌فرمای ادب‌پرور فارس در سال ۱۳۰۵ شمسی طبع و توزیع گردیده است (رک: دیوان خائف، ۱۳۰۵) ولی متأسفانه این اثر نایاب و پراشتباه در دسترس عموم قرار ندارد و در مورد زندگی، احوال و آثار ایشان نیز تحقیق جامعی صورت نگرفته است. تنها اطلاعات موجود، مطالب محدودِ مندرج در کتاب

«سخنوران نابینا» اثر علی اکبر مشیر سلیمی و کتابچه‌ای چند صفحه‌ای بوده که قدرت‌الله عفتی با عنوان «خائف روشندل، افتخار فارس» توسط دفتر فرهنگ معلولین در سال ۱۳۹۱ منتشر کرده است. عفتی در آن اثر متذکر می‌شود که «این دیوان شامل غزل، قصیده و رباعیات است و امروز نایاب شده و در دسترس عموم نیست. به امید روزی که تجدید چاپ شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.» خائف روشندل افتخار فارس، ص ۱۴) محمد حسین رکن‌زاده آدمیت نیز می‌نویسد: «دیوان اشعارش را در شیراز چاپ کرده‌اند ولی مغلوط است.» (دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۲، ص ۳۹۹) نویسنده این سطور بنابراین دیدگاه‌ها، بر آن شد تا دیوان را مجدداً احیاء و منتشر نموده و با مقدمه و تعلیقات شایسته آن شاعر، این سخنور ارجمند را بیشتر به جامعه علمی و ادبی معرفی نماید. آنچه در پی می‌آید تمامی اطلاعاتی است که در مورد زندگانی شخصی، حرفه‌ای و شاعری وی موجود است.

زندگی و احوال خائف شیرازی

میرزا اسماعیل خائف شیرازی متخلص به خائف در مهم ذی‌حجه سال ۱۲۷۸ قمری برابر با یکشنبه ۱۸ خرداد ۱۲۴۱ شمسی در شیراز چشم به جهان گشوده است. شیخ مفید داور در تذکره مرآت الفصاحه، نامش را محمد اسماعیل ابن مهدی امین مکاری می‌داند. (ر.ک: مرآت الفصاحه، ص ۱۸۴) میرزا اسماعیل در زندگی‌نوشتی که در مقدمه دیوان آورده است، می‌گوید: «در سن شش سالگی داخل در هفت، به سبب آبله از چشم سر ناامید و به فقدان بصر مبتلا گشتم و تا سن ده سالگی از من نومیدوار بودند و شخصی که سابقه تعلق با من داشت - پدر نبود از پدر مهربان‌تر بود - مکتبم را مطلب اعظم شمرد» (دیوان خائف، ۱۳۰۵، ص ۷) این شخص که در مرجعی نام او ذکر نگردیده بنا به اذعان بازماندگان^۱

۱. بخشی از یافته‌های این مقدمه، نتیجه اطلاعات به دست آمده از نوادگان شاعر، مرحوم حسین خائف (درگذشته به سال ۱۳۸۶ ه. ش)، بدیع الزمان (ناهمید) خائف ۹۱ ساله، پروین خائف ۸۸ ساله (متولد ۱۳۱۲ ه. ش) و زری (پروین دخت) دادخواه (متولد ۱۳۱۵ ه. ش) ۸۵ ساله است.

خائف کسی نیست جز میرزا محمد حسن نامی که از دوستان پدر میرزا اسماعیل بوده و هنگامی که پدر میرزا اسماعیل در اثر بیماری آبله در آستانه مرگ بود به محمد حسن سفارش می‌کند که از فرزندش نگهداری کند و ایشان تا زنده بود از میرزا اسماعیل مراقبت و حمایت کرد و او را به مکتب فرستاد و چون خودش به عربی مسلط بود به او نیز آموزش داد و خوانش کتب و کتابت اشعارش را تا زمان حیات بر عهده داشت.

چرخ روزگار گردید و واقعه تکرار شد. چندی بعد محمد حسن که به علت بیماری در حالت احتضار بود دختر و پسرش را به میرزا اسماعیل می‌سپارد لیکن پس از وفات محمد حسن، پسر فوت می‌کند و عطاخانم دخترخوانده خائف می‌شود. سالی بعد خائف شیرازی با آبی بی یا خانم بالا (که در دارالسلام شیراز مدفون است) ازدواج می‌کند و علاوه بر عطاخانم - دخترخوانده وی - صاحب پنج فرزند می‌شود؛ یک دختر و چهار پسر. غیر از فرزند نخستش محمد حسن که در ۱۷ سالگی و محمد حسین که در ۱۸ سالگی ناکام می‌ماند و فوت می‌کنند روح‌الامین، عیسی‌خانم و موهبت‌الله، دیگر فرزندان میرزا اسماعیل هستند که نسل وی را تداوم بخشیدند. بیان ذکر است که دختر خوانده اسماعیل، یعنی عطاخانم ۱۰۴ سال عمر کرد و در سال ۱۳۶۱ شمسی درگذشت.

ماجرای خانوادگی میرزا اسماعیل همین‌جا ختم نمی‌گردد، روزی یکی از خوانین اسفندیاری (پدر نورالهدی) به همراه همسر و دو دخترش به شیراز سفر کرد و در منزل میرزا اسماعیل ساکن شد که در اثر بیماری همه‌گیری، خان اسفندیاری و همسرش فوت کردند و دو دخترش را به میرزا اسماعیل سپردند. یکی از آن دختران نورالهدی بود که بعدها همسر روح‌الامین (از پسران میرزا اسماعیل) می‌شود. کوچک‌ترین فرزند میرزا اسماعیل، موهبت‌الله، در سال ۱۳۴۹ شمسی در سن ۶۲ سالگی وفات می‌یابد. وی قاضی و وکیل دادگستری بود. از موهبت‌الله خائف نیز سه پسر و سه دختر به جا ماند که بزرگ‌ترین آن‌ها مرحوم پرویز خائف مشهور به خائفی - شاعر معاصر فارس - است. میرزا

اسماعیل خائف ابتدا در محله کوشک عباسعلی (خیابان شمس) شیراز منزل گزید و در اواخر عمر در محدوده خیابان سعدی فعلی ساکن شد.

رکن زاده آدمیت می نویسد: «سال فوتش به دست نیامد ولی در سال ۱۳۰۵ که دیوانش را چاپ کرده‌اند در قید حیات بوده» (دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۲، ص ۳۹۹) محمود طاووسی در حاشیه مرآت الفصاحه سال وفات خائف را ۱۳۲۲ قمری در شیراز می‌داند (مرآت الفصاحه، ص ۱۸۵) به گفته بازماندگان، میرزا اسماعیل خائف در میانه روز در هنگام خوردن ناهار دعوت حق را لبیک گفت. مقبره وی در امامزاده میر سید محمد واقع در دروازه کازرون شیراز است.

تحصیلات خائف

میرزا اسماعیل خائف با وجود نابینایی «مقدماتش را از خارج به گوش شنیده و به تیزی هوش تا به اندازه‌ای فهمیده» (تذکره شماعیه، ص ۱۱۲) در مرحله پانزده سالگی یک چهارم قرآن مجید را فرا گرفت و بر همگان بینای خود برتری یافت. در همان روز چشمه طبع او جوشیدن گرفت و در سخنوری به رویش بازگشت. بیست ساله بود که همه قرآن را از بر داشت. خائف در مورد تحصیلات خویش نوشته است: «در سن بیست سالگی قرآن را از الف تا یا حفظ کردم. مشوقان انسانی که فرشتگان رحمانی بودند صرف عمرم را به هیچ نحو لایق تعطیل ندیدند و تحصیل ادبیات را رهنمونی کردند. در موقع سی سالگی از مقدمات فارغ التحصیل یافتند و به مؤخراتم ترغیب کردند. نخستین به فقه و اصول و متعلقات شرعیّه اصلیه و فرعیّه و متمّمات دینیّه پرداختم پس از آنکه قدم اعتقاد خود را در مکتب ثابت و استوار دیدم قابلیت ذاتیه به تدریس هر سه قسمت حکمت امر کرد. حکمت الهیه، طبیعیه، ریاضیه باقسامها مع اللوازم و المتمّمات، در خدمت اساتید این فنون فرا گرفته خود را متشائن به این شؤون دیدم و در سلسله مرغبین و حلقه مشوقین و قافله مؤیدین در ماضی و حال و بعون الله» (دیوان خائف، ۱۳۰۵، ص ۷)

آری خائف شیرازی در علوم شرعی، طبیعی، ریاضی، نجوم و اعداد مهارت زیادی داشت و آن‌چنان که خود می‌گوید علاوه بر فارسی، عربی، ترکی و زبان فرانسوی را فرا گرفته و از شهرها و حتی کشورهای مختلف مانند عراق برای شرکت در کلاس‌های درس ایشان به شیراز می‌آمدند. از شاگردان معروف ایشان می‌توان به شیخ عبدالرسول نیر و غلام‌حسین نیری اشاره کرد که این اشخاص با وی رفاقت و مراوده نیز داشته‌اند. از دوستان نزدیک او حاج میرزا عبدالحسین ذوالریاستین شیرازی، متخلص به مونس و ملقب به مونس‌علی‌شاه بوده است.

نصیرالسلطنه که والی فارس بود در هفته چندین بار دُرُشکه می‌فرستاد و ایشان را جهت مشورت و آموزش دعوت می‌نمود و اصرار داشت که پسر ارشد ایشان روح‌الامین هم در جلسه‌ها باشد. در اشعارش احاطه‌وی بر دانش‌های مختلف نمایان است. به کار بردن فراوان اصطلاحات نجومی دلیلی بر علاقه و تسلط وی بر ستاره‌شناسی است:

به نشر نظم خود هر دم بنات‌النَّعش با پیرویش
 به رشک از سرِ واقع، سر طایر آمده کاکون
 بخواندند که چند اندر زمین رخشان توانی شد
 و ز من برودتر در پای شه غلتان توانی شد
 علاقه‌وی به ریاضی نیز در رباعی وی کاملاً مشهود است:

ای مرکز هر دایره قدر و وقار وی نقطه روح لایبشـرط ادوار
 هنگام ثبات ثابتی چون مرکز در وقت احاطه دایری چون پرگار
 «چنان‌که خود او سرگذشتش را مورخ آذرماه ۱۳۰۵ خورشیدی نوشته و در اوّل دیوان اشعارش جای داده آن‌چنان در علوم و ادبیات دست یافته که آنچه تا آن‌زمان تصنیف و تألیف می‌گشته بر اصول و قواعد آنها آگاهی داشته» (سخنوران نابینا، ص ۲۹۸) و خود در این-
 باره گوید:

المنه لله که به کام دل من حل کرد خدای من همه مشکل من
 نقش هنری به لوح ایجاد نکرد الا که سرشته شد به آبش گل من